

شنبه • ۱۸ آبان ۱۳۹۲ • سال یازدهم • شماره ۱۸۷۷ • ۷

# شرق روزنامه

## سیاست • روزنامه

|                                                             |                |
|-------------------------------------------------------------|----------------|
| <b>مروری بر بلبوردهای که تخریب کرد و رفت</b>                | <b>صفحه ۸</b>  |
| <b>دیپلماسی کیک، کلت و انجیل، ۲۷ سال بعد از «مک فارلین»</b> | <b>صفحه ۸</b>  |
| <b>سریال انفجار ها در چین</b>                               | <b>صفحه ۱۰</b> |

|                                   |
|-----------------------------------|
| <b>نگاه</b>                       |
| <b>ژنو و پرونده هسته‌ای ایران</b> |
| <b>امیدها و چالش‌های جدید</b>     |
| <b>صلاح‌الدین احمد لواسانی</b>    |

مذاکرات ایران و ۵۱۰ پیرامون برنامه هسته‌ای ایران در حالی در ژنو پایان یافت که رویکرد جدید پیشنهاد ایران و ایجاد زمینه‌های سیاسی و فنی با پیامدهای گسترده، بیانگر این حقیقت است که برگی نو در پرونده هسته‌ای ایران گشوده شده است. در این مذاکرات، طرف ایرانی جدیدت و اراده قطعی خود را برای حصول توافق نشان داد که برای ۵۰۱ عمل و انتخاب دیگری غیر از پذیرش پیشنهاد ایران به‌عنوان اساس مذاکرات باقی نگذاشت. مساله اساسی در ژنو نه پیشنهاد ایران و نه آمادگی غرب به‌طور عینی برای سنجش و بررسی آن پیشنهاد بود، بلکه مساله اساسی، ایجاد مسیری بود به سوی حل‌وفصل هرچه سریع‌تر مساله هسته‌ای ایران و نام‌گذاری طرحی که توسط تهران به ۵۰۱ پیشنهاد شده است؛ یعنی «پایانی بر یک بحران غیرضروری؛ آغازی برای افق‌های جدید»

ایستادگی تهران، برای جمهوری اسلامی ایران هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی نیز در پی دارد. اما هزینه‌های سیاسی و مالی تحمیل‌شده به غرب نیز کمتر از رقیب نبوده، از‌جمله اینکه راهکارهایی برای بحران‌های خاورمیانه‌ای غرب، بدون حضور ایران به بن‌بست رسیده است. از سوی دیگر، فشار و جلال سخت درونی ایران حول مساله همکاری با غرب، حمله محافظه‌کاران به میانه‌روهای دولت تدبیر و امید باعث می‌شود روحانی و دولت و بیشترین تلاش را برای دستیابی به نتیجه مذاکرات با ۵۰۱ انجام دهند؛ نتایجی که می‌تواند جامعه ایران را به‌عنوان مدرکی برای دوره جدید مدیریت روحانی نشان دهد. اکنون در این روزها برای کلینیه روحانی توقف رکود اقتصادی، تثبیت و تقویت پول ملی، کاهش تورم و در واقع بالا بردن استانداردهای زندگی مردم، ضروری است. اعتبار و اعتماد به حل‌وفصل مسایل دارای اولویت، توسط روحانی دارای بازه زمانی دو تا شش‌ماهه است. تمامی این مسایل بدون حذف تحریم‌های یکجانبه و فلج‌کننده علیه ایران، حل‌نشدنی خواهد بود. اما بدون برقراری رابطه با غرب این امر، دور از ذهن به نظر می‌رسد برقراری رابطه با غرب به نوبه خود بدون سابقه موفقیت‌آمیز و حقیقی در حل برنامه هسته‌ای ایران غیرممکن است. اما دستیابی به جریان واقعی و موفقیت‌آمیز در مذاکرات با ۵۰۱ هم بدون اعطای امتیازات از طرف تهران امکان‌پذیر نیست.

۱. مساله برای ایران و تهران و غرب ضرورت دستیابی به توافق و ترتیباتی را که بیانگر روند سریع مذاکرات است، حادث می‌کند. معاون وزیر امور خارجه روسیه در این مورد گفته است: «روند جریان مذاکره در دور جدید، سرعت یافته و تعیین روزهای هفتم تا نهم نوامبر به‌عنوان دور بعدی مذاکرات گواه این مدعاست که این روند در مقایسه با استانداردهای مذاکرات ایران با ۵۰۱ در دوره‌های قبل بی‌سابقه و جالب توجه است.»

**جزییات فنی خسته‌کننده**

در طرح مذکور که با عنوان «پایانی بر یک بحران غیرضروری؛ آغازی برای افق‌های جدید» ارایه شده است، پیشنهاداتی با هدف برد- برد مطرح شده است. چکیده اسلایدهای نمایش داده‌شده در حضور نمایندگان ۵۰۱ را می‌توان به چهار بخش مختصر اما حقیقتاً انقلابی تقسیم کرد:

۱. تهران آماده توافق پایدار در زمینه کنترل‌های بین‌المللی از طریق بازرسی سرزده از تابسات هسته‌ای در ازای به رسمیت شناخته‌شدن حق خود در زمینه تحقیقات صلح‌آمیز هسته‌ای است.
۲. ایران آماده توقف جریان غنی‌سازی اورانیوم ۲۰ درصد است اما از این امر کلاسدست نمی‌کشد تا آنجایی که اورانیوم ۲۰ درصد در تولیدات دارو و اهداف علمی کاربرد داشته باشد.

۳. تهران آماده ارایه مازاد اورانیوم غنی‌سازی‌شده ۲۰ درصد خود بدون انتقال از به خارج و تحت کنترل و نظارت‌های بین‌المللی است.
۴. نهپایت ایران آماده محدودسازی تعداد سانتریفیوژهای خود و توافق در مورد چگونگی کنترل روی تاسیسات فردو و اراک با جامعه بین‌المللی است. در ازای این گام‌های برداشته‌شده، ایران انتظار دارد که تحریم‌ها برداشته شود و برای توقف تدریجی آماده است، در مرحله اول لغو تحریم‌ها نه تمامی آنها بلکه: ۱- در نخستین گام لغو آن دسته از تحریم‌ها که از سوی سازمان‌ملل متحد و شورای امنیت اعلام شده ۲- در گام بعدی رفع آن دسته از تحریم‌ها که به‌طور یکجانبه از سوی غرب در بخش‌های تجاری و مالی تحمیل شده ۳- در گام سوم و پس از یک سلسله‌روش‌های سنجش و کنترل بین‌المللی و بازرسی‌های سر زده، (یعنی پس از هشت ماه از انعقاد قرارداد با ۵۰۱) لغو تحریم‌های اعمال‌شده یکجانبه از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا.
در واقع با این طرح، تهران به پیشرفت جدی در رابطه با مسایل هسته‌ای مورد ادعای غرب دست یافته است. مساله جالب توجه در مذاکرات ژنو این بوده است که نماینده فرانسه اساساً نکته تازماری در پیشنهادهای طرف ایرانی ندیده است، اما این نظر دیپلمات فرانسه، در تنهائی افتخارآمیزش بوده زیرا دیگر اعضای ۵۰۱ «کاترین اشتون» که همیشه در مورد برنامه هسته‌ای ایران بدبین بودند، پیشنهادهای ایران را شایسته تقدیر دانسته‌اند. مساله دیگر این است که پیشنهادهای جدی نیازمند مطالعه جدی هستند. در واقع به همین دلیل است که مذاکره‌کنندگان از اظهار جزئیات در بیانیه‌ای امتناع کردند، تا فرمولی کارآمدتر برای آن برگزینند. اما نتیجه اصلی را می‌توان اینگونه قلمداد کرد که روند جدید مذاکرات که در آن امکان و اراده توافق همه‌جانبه و «چانه‌زنی بر سر امتیازات خاص» وجود دارد، در روزهای نزدیک به ششم و هفتم نوامبر امکان‌پذیر خواهد بود.

منبع:سایت ایران‌رو

### یادداشت

|                                |
|--------------------------------|
| <b>عاقبت قدم زدن در تاریکی</b> |
| <b>جعفر قاضت</b>               |

ورود به مبحث بررسی تاثیر حرکات برخی گروه‌های خاص در سیاست خارجی می‌طلبد تا قبل از هرچیز یک چارچوب ذهنی درستی برای خودمان در نظر بگیریم، «در سیاست خارجی چه کاری می‌خواهیم انجام دهیم. آیا می‌خواهیم منافع ملی‌مان حفظ شود یا خیر؟ و منافع ملی ما شامل چه چیزی می‌شود؟»

دقت داشته باشید که همواره افرادی که جزو بخش عقلایی جامعه در بخش مدیریت کشور هستند، یک منافع را می‌مشخص می‌کنند که شامل منافع اکثر جامعه و تأمین‌کننده منافع داخلی و شرایط بین‌المللی کشور باشند؛ منفعی که موارد نظامی، امنیتی، اقتصادی و… را در نظر می‌گیرد و بسسته به شرایطی که وجود دارد این موارد انتخاب خواهد شد. باید دقت داشت که برای رسیدن به این اهداف نیاز است یکسری سیاست‌ها در نظر گرفته شود و این یک پروسه عقلاتی است و هر دولتی که بخواهد منافع و آرمان‌های جهان هم‌گیر است و دنیا، دنیای وابستگی متقابل است یعنی آمریکا با آن قدرت و نفوذ حتماً به ما نیاز دارد، بنابراین همه کشورها باید با هم همکاری متقابلی داشته باشند تا بتوانند زندگی مناسبی را برای شهروندانشان فراهم کنند. اگر با این نگاه برخورد کنیم، مشکلی ایجاد نمی‌شود، قطعاً اگر کشوری حرفی در نظام بین‌الملل داشته باشد و بتواند با دیگران با تعامل برخورد کند و قواعد بازی حاکم بر جهان امروز را رعایت کند، موفق است. طبیعی است که کشور ما هم اینگونه می‌تواند شرایط را از حالت غیرعادی خارج کند و طبیعی است که اگر این اصول این روند رعایت نشود شرایط از حالت عادی خارج خواهد شد و طبیعی است که خراب‌کردن راحت‌تر از ساختن اتفاق می‌افتد، همان‌طور که در هشت‌سال دولت احمدی‌نژاد همه چیز خراب شد و می‌بینیم که آقای روحانی کار سختی را در پیش دارد و باید دقت داشت که یک‌شبه دولت درست‌شدنی نیست. باید همگی به این باور برسیم که سیاست داخلی تأثیرش را در سیاست خارجی می‌گذارد، چون این دو ادامه هم هستند. طبیعی است که اگر در سیاست خارجی روند مثبتی داشته باشیم، تأثیرش را در سیاست داخلی هم خواهیم دید. به عبارتی دیگر رفتارهای داخلی و واکنش‌های داخلی می‌تواند دیدگاه‌های خارجی را نسبت به جمهوری اسلامی تغییر دهد و دقت در عملکردهای سیاست داخلی بر اثبات و مطالبه حقوق ما در دنیا می‌تواند تأثیرگذار باشد. اما همان‌طور که گفتم درست‌کردن خیلی سخت است و باید آجره‌ها جر پیش رفت، در صورتی که خراب‌کردن تنها با یک پتک هم شدنی است و این موضوع در سیاست هم به همین شکل است و باید به‌تدریج مسایل درست و مشکلات برطرف شود. دقت داشته باشید که زمان می‌برد هشت‌سال مدیریت نامناسب گذشتۀ که بر اساس مدیریت و تصمیمات احساسی و هیجانی بود درست شود. هرچند ممکن است این روند حمایتی هم داشته باشد.

ادامه در صفحه ۹



عکس: آذین رهبر، شرق

**دیپلماسی ایران در گفت‌وگوی «شرق» با عزت‌الله عزتی:**

# ابهام‌آفرینی برای حریف باشد، نه برای خودمان

**ابهام‌سازی خوب است اما برای حریف، نه خودمان**

داشته باشیم و در این روابط کانال‌های تأمین منافع ملی خود را احداث کنیم. اینکه بگوییم چون این کشور بد است، الزام و تعبد جغرافیایی را هم نادیده می‌گیریم و مسیر دیگری می‌رویم، این از متن مخالفت‌های ناآگاهانه با برقراری روابط است. اگر ایران در شمال خلیج‌فارس نبوده اگر در جنوب خود کشورهای حاشیه خلیج‌فارس را نداشت، ممکن بود بتواند استراتژی دیگری در پیش بگیرد. اما اینکه ما در چه محیط‌های امنیتی دخیل هستیم، دیگر به سلیقه من و شما مربوط نیست. نوعی تعبد جغرافیایی است، باید پذیریم.

**✎ در فقدان دستور کار صریحی که به ما بگوید بر اساس کدهای ژئوپلیتیکی، کشور چه شرح وظایفی برای تأمین منافع ملی دارد، شکل‌گرفتن چنین مخالفت‌هایی به‌نظر طبیعی می‌رسد. در واقع می‌خواهم بگویم وقتی نقشه راهی برای منافع ملی نداریم، هر گروه خود را حافظ منافع ملی می‌داند و خود را مجری بهتری برای آن شما اینطور نمی‌بینید؟**

ببینید سیاست رسمی کنونی دولت آقای روحانی تعامل سازنده به قصد کاهش حداکثری تنش‌ها و رفع موانع تحریم‌هاست. ایشان با این وعده‌های سیاسی توانست پیروز انتخابات شود. دستگاه دیپلماسی کنونی نماینده ملت ایران هستند. آنها مسوولیت تأمین منافع اعلام‌شده را دارند. اینها گروه نیستند، اینها لابی‌گر نیستند باید فرق گذاشت میان دستگاه رسمی متولی سیاست خارجی و گروه‌هایی که در قالب بلوک منافع یا گروه فشار، مانع تراشی و پروپاگاندا درست می‌کنند و سعی در رسیدن آرایش خاصی از ترتیبات سیاسی دارند. شاید اینها ابدا نگاهی ملی و استراتژیک به چنین رابطه‌ای نداشته باشند، برد داخلی آن را محاسبه می‌کنند و اتفاقاً شاید به محاسبات رضایت‌بخشی هم برسند، دنبال

|                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <div><span><span> </span> <span> </span></span><span><span>←</span></span></div> <div><div><span><span> </span><span> </span><span> </span><span> </span></span><span> </span>دستگاه دیپلماسی دولت حسن روحانی نماینده ملت ایران است. آنها مسوولیت تأمین منافع اعلام‌شده را دارند. اینها گروه نیستند، اینها لابی‌گر نیستند. باید فرق گذاشت میان دستگاه رسمی متولی سیاست خارجی و گروه‌هایی که در قالب بلوک منافع یا گروه فشار، مانع تراشی و پروپاگاندا درست می‌کنند و سعی در رسیدن آرایش خاصی از ترتیبات سیاسی دارند. شاید آنها ابدا نگاهی ملی و استراتژیک به چنین رابطه‌ای نداشته باشند</div></div>                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                      |
| <div><div><span><span> </span><span> </span><span> </span><span> </span></span><span> </span>دستگاه دیپلماسی دولت حسن روحانی نماینده ملت ایران است. آنها مسوولیت تأمین منافع اعلام‌شده را دارند. اینها گروه نیستند، اینها لابی‌گر نیستند. باید فرق گذاشت میان دستگاه رسمی متولی سیاست خارجی و گروه‌هایی که در قالب بلوک منافع یا گروه فشار، مانع تراشی و پروپاگاندا درست می‌کنند و سعی در رسیدن آرایش خاصی از ترتیبات سیاسی دارند. شاید آنها ابدا نگاهی ملی و استراتژیک به چنین رابطه‌ای نداشته باشند</div><div><span><span> </span><span> </span><span> </span><span> </span></span><span> </span>دستگاه دیپلماسی دولت حسن روحانی نماینده ملت ایران است. آنها مسوولیت تأمین منافع اعلام‌شده را دارند. اینها گروه نیستند، اینها لابی‌گر نیستند. باید فرق گذاشت میان دستگاه رسمی متولی سیاست خارجی و گروه‌هایی که در قالب بلوک منافع یا گروه فشار، مانع تراشی و پروپاگاندا درست می‌کنند و سعی در رسیدن آرایش خاصی از ترتیبات سیاسی دارند. شاید آنها ابدا نگاهی ملی و استراتژیک به چنین رابطه‌ای نداشته باشند</div></div> |

نوعی توازن باشند شاید ریشه‌های فکری که کمی قبل در مورد آن صحبت کردیم هم بر مخالفت‌های آنها تأثیرگذار باشد، اما نباید فراموش کرد که گم‌شدن قطب‌نمای منافع ملی و نبود سند قابل استنادی که پشتوانه دستگاه سیاست خارجی در پیشبرد اهداف جدید اعلامی‌اش باشد، مشکلی جدی است که اگر اینطور نبود ما نباید در هر خیزش برای حل روابط سیاسی ایران و آمریکا با مخالفت‌های فکرنشده روبه‌رو باشیم اگر دستور کار مشخص داشته باشیم تخطی با سنگ‌اندازی در آن، معادل مخالفت با منافع ملی و عملاً غیرممکن است.

**✎ البته چنین مخالفت‌هایی در یک نگاه متفاوت اینطور هم تعبیر می‌شود که می‌تواند چانه‌زنی گروه مذاکره‌کننده را بالاتر ببرد. متولی امروز سیاست خارجی می‌تواند نشان دهد که با عبور از لایه‌های چندگانه و سرخشی‌های جدی توانسته است بخش‌هایی را در داخل برای پذیرش توافقات متقاعد کند، از این‌رو شاید ۵۰۱ به قصد تقویت این اراده حل مساله، تا حدودی نرم‌تر واکنش نشان دهد؟**

نه، چیزی که شما می‌گویید در تئوری درست است. اینکه ما بازی توافق با غرب و به طریق اولی با آمریکا را به‌گونه‌ای مدیریت کنیم که برای طرف مقابل نوعی ابهام درست شود. اساساً «ابهام» امر خوبی در سیاست خارجی است، اما برای خارجی‌ها نه

## گروه فشار ایرانی

قضاوت قرار گرفته است. در طی ۳۵سال گذشته ایران با عبور از نوسان‌هایی مثل جنگ، رویکردهای نگاه به شمال (در دوره هاشمی‌رفسنجانی)، تنش‌زدایی (دوره خاتمی) و سال‌های احمدی‌نژاد – که البته پرتشی از سیاست‌های قبلی تفسیر می‌شد- در دوران روحانی به سیاست «اعتدال» و حل بحران بر مبنای «اعتمادسازی» رسیده است. روحانی ظاهراً قرار است کورترین گره سیاست خارجی ایران در دو دهه گذشته را باز کند. جهت‌گیری تیم سیاست خارجی «روحانی‌انظریف» برای پیگیری و به‌ثمررساندن بازی «برد-برد»، این هدف را تعقیب می‌کند که هم دغدغه‌های طرف غربی را رفع کند و هم منافع ایران را تحقق بخشد. در این فضا «بازیگران غیررسمی» که آنها را گاه «گروه فشار» گاه «نیروهای ارزشی» و گاه «مردانِ این یا آن حلقه فکری» می‌خوانند در بزنگاه‌هایی که این گره کور در حال بازشدن است، ظاهر می‌شوند و با ابراز وجود «تقابلی» سعی در تحت‌تأثیر قراردادن مسیر سیاست رسمی اعلامی دارند. بازیگران «غیررسمی» در همه پهنه‌های سیاسی و در همه کشورهای جهان حضور دارند. از گروه‌های «سبز» گرفته تا گروه‌های «شهروندی» که هر روز در مقابل مجالس یا کانخ‌های ریاست‌جمهوری با سیاست یا قوانین جدیدی

شرق؛ رابطه با آمریکا، قطع آن، تلاش برای ازسرگیری آن و به‌طور اجمالی کلیت گشایش رابطه با این کشور از همان ابتدای انقلاب تأثیر خاصی بر روابط خارجی ما گذاشت. معادلات سیاسی داخلی ما هم چندان از این رویداد بر کنار نماند. حتی باید گفت آرایش‌های خاصی به‌خود دید و به‌طور کلی صحنه سیاسی داخلی نیز از آن تأثیر پذیرفت. دکتر عزت‌الله عزتی «قبضی‌وسطاً، رابطه با آمریکا را در بستری تاریخی و نگاهی استراتژیک در کنار هم می‌بیند و توضیح می‌دهد.

دکتر عزت‌الله عزتی استاد جغرافیای سیاسی در دانشگاه‌های مختلف است. تالیفات او در زمینه ژئواستراتژی جزو اولین نوشته‌های فارسی در این زمینه است. تالیفات او با عناوین «ژئواستراتژی»، «جغرافیای نظامی ایران و کشورهای همجوار»، «ژئوپولیتیک در قرن ۲۱» و «تحلیلی بر ژئوپولیتیک ایران و عراق» مورد ارجاع دانشجویان و کارشناسان مختلف روابط بین‌الملل بوده است. این تالیفات به زبان‌های مختلفی ترجمه و در دانشگاه‌های امگیمو، مسکو و «مطالعات خاورمیانه» آنکارا تدریس می‌شود. کتاب «ژئوپولیتیک اسلام معاصر» نیز اخیراً به زبان فرانسه منتشر شده است. این استاد دانشگاه هم‌اکنون مشغول تالیف مجموعه‌ای است که به رویکردهای جدید ژئوپولیتیکی می‌پردازد؛ رویکردهایی که «ژئوپولیتیک عواطف» را جایگزین رویکردهای محض جغرافیایی پیشین می‌کند.

**✎ رابطه با واشنگتن چه دارد که هر تلاشی برای ازسرگیری آن اشکالی از مخالفت و مقابله داخلی مثل همین نصب بلبوردهای تبلیغاتی را رقم می‌زند؟**
اول بپذیریم که هر تصمیم سیاسی موافقان یا مخالفان آگاه و ناآگاهی دارد. قبل از آن بپذیریم که سیاست را اهر آنچه مورد مناقشه است» تعریف می‌کنند آنچه مورد قبول همه مردم است اساساً نمی‌تواند نام سیاست به‌خود بگیرد پس نباید توقع داشت در مورد موضوعی تا این میزان حساس و مورد مناقشه مخالفانی بروز نکنند. تا اینجا طبیعی است و این مخالفت‌ها چیزی خارج از قاعده بازی‌های سیاسی نیست، اما آنچه مخالفت با ازسرگیری رابطه با آمریکا را مهم و گاهی تامل‌برانگیز می‌کند این است که «آمریکاستیزی» بخشی از سنت سیاسی چپ و انقلابی در ایران است. بخش‌هایی از متفکران ما از برجسته‌کردن مخالفت با آمریکا، مدل زندگی آمریکایی، مصرف‌گرایی، توسعه‌طلبی، شکوه‌طلبی نظامی و… هویت سیاسی می‌گیرند. نباید این وجه ریشه‌دار و تاریخی را نادیده گرفت. موضوع بعدی این است که رابطه با آمریکا تبدیل به اهرمی برای آرایش نیروهای سیاسی ما هم شده است. ممکن است گروهی رابطه با آمریکا را معیار وفاداری به ارزش‌ها، اصالت عمل سیاسی و وفاداری میهنی‌شان تعریف کنند و طبیعی است که هر گونه تلاش برای بهبود این روابط می‌تواند عین سازشکاری، خیانت، وطن‌فروشی و حتی نادانی سیاسی تعبیر و توصیف شود. هیچ کشوری به اندازه ایران، نبض سیاسی‌اش متناثر از رابطه با واشنگتن نیست. از کوبا می‌گذرم چون عقلایت و تکرر موجود در ایران قابل مقایسه با دکماتیسم برداران کاسترو نیست. اما اگر نگاهی استراتژیک داشته باشیم، مثل همیشه که من به دانشجویانم توصیه می‌کنم، نقشه را باید مدنظر قرار دهیم. موقعیت ایران در تسلط بر کل کرانه‌شمالی خلیج‌فارس به ما می‌گوید که ما جزئی از استراتژی قدرت بحری هستیم. این به این معنا نیست که ما باید سرسپرده یا پادوی قدرت مسلط بر آب شویم. جزئی از استراتژی قدرت بحری بودن یعنی اینکه امنیت این قدرت نیز به مشارکت متقابل ما یا او پیوند خورده است. ما اگر از این ترتیبات بیرون بمانیم یا بخواهیم که بمانیم یا نخواهند که وارد شویم، توازن امنیتی را خود بر هم زدیم. نگاه کنید به نقشه، خلیج‌فارس ادامه محیط آبی پاسیفیک و پاسیفیک ادامه محیط آبی آتلانتیک است. در هر دو محیط آمریکا نقش «ارگولاتور» یا تنظیم‌کننده را بازی می‌کند. هر کس از این دایره بیرون بماند یا به عبارت دیگر هر کشوری که محیط امنیتی آبی دارد، اما با آن مشارکت نمی‌کند، عملاً خود را از ماتریس امنیت‌سازی بیرون گذاشته است. مهم این است که ما مشارکت کنیم، رابطه



**فرنگیس بیات**

خارجی می‌رسد. این به آن معناست که هر کشور دارای ساختار سیاسی پارلمانی یا جمهوری، با لحاظ شدت وضعف تفکیک قوا و موقعیت جغرافیایی‌اش، به مدل نسبتاً قابل پیش‌بینی‌ای از تصمیم‌گیری در سیاست خارجی می‌رسد. شکل گرفتن رویه‌ای قابل پیش‌بینی در سیاست خارجی خود، از عواملی است که دیگر کشورها در تعامل با و وضعیت چانه‌زنی و اتفاق در زمان حساس، از آن بهره می‌برند و این «مدل تصمیم‌گیری» را تا حدودی اساس تعامل خود با دیگری قرار می‌دهند. جمهوری اسلامی ایران از اواخر دهه ۷۰ میلادی همواره به‌عنوان دولتی با سیاست‌هایی انقلابی شناخته می‌شد. پایان جنگ عراق-ایران سر آغاز دورانی بود که سیاست خارجی کشورمان در کنار آرزی‌های عقلایی، محاسبه‌گرایی و غلبه روندهای سازمانی – بروکرانیک بر وجه انقلابی‌اش مورد